۲۷۵ برگ غلامی معتمد
آفت زدائی شد
تاریخ ۱۷/۱۲/۶۱
میکروفیلم تهیه شد
فارسی
باز بین شد
۱۳۵۳خ

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: صحیفة المتقین و منهج الیقین ج ۱ — فارسی

مصنف / مؤلف: مولانا محمدرضی بن محمد نصیر مجلسی

خطی: نسخ ۲۷ سطری

چاپی:

سال چاپ یا تحریر: ۷ صفر ۱۱۷۰ — عدد اوراق: ۲۶۹

جزء کتب: اخبار — شماره:

شماره عمومی: ۷۱۷۸ — شماره قبض:

واقف: محمود فرخ — تاریخ وقف: فروردین ۱۳۲۸

طول: ۲۷ — عرض: ۱۶ — گنجه:

والله ولی التوفیق

هو المستعان

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایشی بیرون از ترجمهٔ تعقل مترجمان اسرار از سطور امواج بحار وثنایی افزون از تفسیر تخیل مفسران استار اوراق لیل ونهار سزاوار بزرگوار پروردگاریست که آفتاب جهان آرا وماه آسمان سا که بالا نشین محفل نور وصدر کزین بیان مجلس ظهورند از بحار ابداع آفریدگاریش دو قطره اند در راه معرفت ذات بکامش سرگردان وقطبین جنوبی وشمالی که در بر داشت نگاه داشت جلد افلاک بثبات قدم مامورند دو دیده اند عاطل از عوامض صفحهٔ وجود که نگارش یافتهٔ قلم قدرت کامل صنعت اوست حیرانند بحیثیتی که ادراک چند وچون غور علی کمال دور از ره والش افهام متبحران یونان شناسائی ودریافت لا عرفتک لجهٔ حیرت ساخته وخیال نا رسائی به بیت ترین پایهٔ قصر قدر وجلالش طایر انظار اوهام تمام صاحبان تحقیق وشناخت را بر پرواز رسانیده وراحته حالی که اگر اشاره کوشهٔ ابروی اراده اش بیمانهٔ جزء لا یتجزی را بهمبودن آب دریای آتش بجان ومهیا سازد بر بدون اعانت دخل جزو زمان کوهر غلطان اخگر خاکستر صدف کردد واگر آتش جحیم را به سردی از تعذیب الیم آشنا سازد بی آنکه بادی بمیان نجهد اخگر سوزان کوهر صدف خاکستر شود شعله اگر از سرکشی ممنوع وبفرمی مامور شود آدم آبی را در کاسه سیم کاو دنیا کباب ماهی مهیاست وبر موجه اگر بجنبش عالم بالا بر شود مدد دریا فواره حوض مربع خلوت عیسی خدائی کافرینش بر بجود شگواه مطلق آمده وجودش نشانش بر همه بینده ظاهر وجودش بر همه موجود باهر وقدر وقدرش خارج از حیطهٔ عد واحصا صلوات وصلوات الله وصمه انتها مبرا شایستهٔ سرور سرور انبیاست که خط آزادی امت از نکیر ودار دولت روز قیامت برساله شفاعتش سطر قم بار یافتکی بیوان قرب دنی فتدلی از حریم حرمتش نظری بادشاهی که شوه آنکه عنوان نعمان وجودش مسعودش را در سرای شهود از دریای ساوه نمکدان آماده وان طنطنه ورود عاقبت محمودش نهر سنا در ودیوار ازنکونساری اصنام واوثان بعساکر نکبت ما تر شیطان دست سنکباران کشته وتر تیم قبه

اشاره هلال

اشاره هلال بنان اعجاز نشانش سکان آسمان را از کوهر ماه دو کفهٔ میزان آماده وقدر حقیقت بنیاد رسالت ازلی تو امانش طاق کسری دهانش تصدیق کشاده آب میان انکشتان خط شعاعی نشانش چو شبه که بخاصیت حیات بخشی انگشت نما کردیده وحقیقت این مدعا که آبروی دو عالم بدست مبارک اوست یکدست بمرتبهٔ نبوت رسیده کشت بحاصلات از سر چشمه عین شفاعتش مزرع بهشت حاصل ودامن تهی مایکان بند عبودیت با ابروی کوهر غلطان سرشک تضرع لآلی نیسان رحمت در بادکرده عایل از نیسان عنایتش لحصول لآلی شاداب حصول مامول مفرمان اشاره بیان مبارکش باشق بدیده ماه انکشت قبول از هی اجرای فرمان که انکشت اشاره اش را ماه کوجه داده ودر دو لخته بدو بروی اشاره هلال بنانش کشاده کوهر مقصود بی امکان نمانده که دست رأفت ابر رحمت ازلی در ثبت داغ معراج کل برک کف مبارکش را بصدف آن ساخت بعد از آن انکشت نیازش کشاده میکردید بتارک سوالش را متضمن نباشد آفتاب سپهر لم یزلی شبنم اصابع بوام بر وشام کیف کافیش میکذاشت کرد بادی که از نشاء شریعتش خیزد مبل کحل الجواهر دیده مفربان ملا اعلی وان هلال النعل نعلینش کاغذ هلال نعل ماه افتاب نطلا سید کونین وسرور ثقلین قافله سالار انبیا قمر سلی صادق ما صدق کُنْتُ نَبِیًّا وَآدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّینِ راستکفتار بنطق آنا کلام الله الناطق یوم الست آفرینش بالصبح صادق مصطفی پادشاه هر دو سرا آفتاب سپهر لم یزلی شبنم آسا صبح صادق مصطفی پادشاه هر دو سرا آفتاب جهان عز وعلا حکمت حق بجهان جهان بود وانش خمیر مایه آن همه عالم نو آمده واو جانست وز عالم جو بعل دو کانست ومداح ومنقبت دو انعد بیان ویارای زبان شاسته آل اطهار واهل بیت اخیار است که عرصه وسیع سخن بر جولان مدایح شان تنک است وبراف اندیشه جهان بیما در عروج معارج مناقب شان لنک خصوصا بشر وزمره اولیا که حدیث صحیح اَنَا وَعَلِیٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ چراغی است از مشکوة وحدانیت در راه یکانکیش روشن کردیده ومضمون طراوت مشحون اَنَا وَعَلِیٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ بهشت وجود مسعودش را نهالی است در کنار جویبار بی مثلی بالا کشیده دست قدر فشرده در شبوت ید اللهی از صفحهٔ در خیبر بکف محشر ودر میزان انصاف قوت بست ظرف اعجازش را تقسیم دو شاهد عدل اند هم سنک یکدیگر تا بر وآنچه ابلاج موشح بطغرای غرای آن وکیل کارخانه خدا قدروج شمع افروز چار صفه کالبد نتوانند کرد بی دو نا قبض لواصل بهر آن تا وقوف آن معتمد خالق ارض وسما نرسانند قابض ارواح اعتماد بحویلداری نقد جان نخود نتوانند بد بتحمل امید بکد بشر والای ولایتش بار وی کرده طوبی وار از انار چونکه جنت بالهال میتوانند اختیار کر برعایت ضبط اوقات صلاة رخصت غروب تا فی با فتاب مید ازتا نیر بحثیه ونظیر دعا بش تا روز قیامت بهیج وجه جهرهٔ ظهور نمیکشا در راه برخوردن بکوهر ظهور نور فی پایان آن اول صحیبه بحر امانرا از در دریای نجف چراغ روشن افزون از ریک بیابانست وطریق پی بردن بعدم علاقهٔ آن نخستین جوهر کان عرفان را حسان

۲۶۹

آوردم در حضور آنجماعت بستانی داشت مثل بستان زنان بعد از آن متوجه اصحاب شده فرمود که چنین نبود گفتند
بلی یا امیر المؤمنین پس آنحضرت فرمود که من وفا کردم بهفت اول و هفت آخر و یکی دیگر مانده و نزدیکست که
بعمل آید پس اصحاب آنسرور و سر کرده یهود گریستند و گفتند یا امیر المؤمنین ما را خبر ده بآن جناب فرمود
که آن آنست که خضاب شود این از این و بدست حق بر سر اشاره بمحاسن و سر مبارک کرد و صدا بگریه مردان در مسجد
بنالد و افغان بلند شد تا آنکه اهل خانها بیرون آمدند و سر کرده یهود در آن ساعت مسلمان شد با تمام ختم
نسخه جلد اول از منهج الیقین و صحیفة المتقین و در جلد ثانی خواهد آمد ابواب فضایل و غیره بعون عنایت
رب العالمین مأمول از برادران ایمان و خلان روحانی آنست که این غریق بحار معاصی را در مظان
اجابت دعوات و اعقاب صلوات بدعای رفع درجات و حط سیئات یادآوری نمایند و کتب تمامه
الفانیه الدائره رضی الدین محمد بن محمد نصیر عفی الله عن جرائمهما و لو نباکا جابهما یمینا و حوسبا
حسابا یسیرا و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین المعصومین و دهر الداهرین
بحر یافت من معاصی نقی ابن باقر المرحوم بتاریخ هفتم شهر صفر سنه ۱۱۰۷ هزار یکصد و هفت از هجرت مقدسه

سال ۱۳۱۸ خورد
بازبینی شد

بازبینی شد
۱۳۷۱

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی
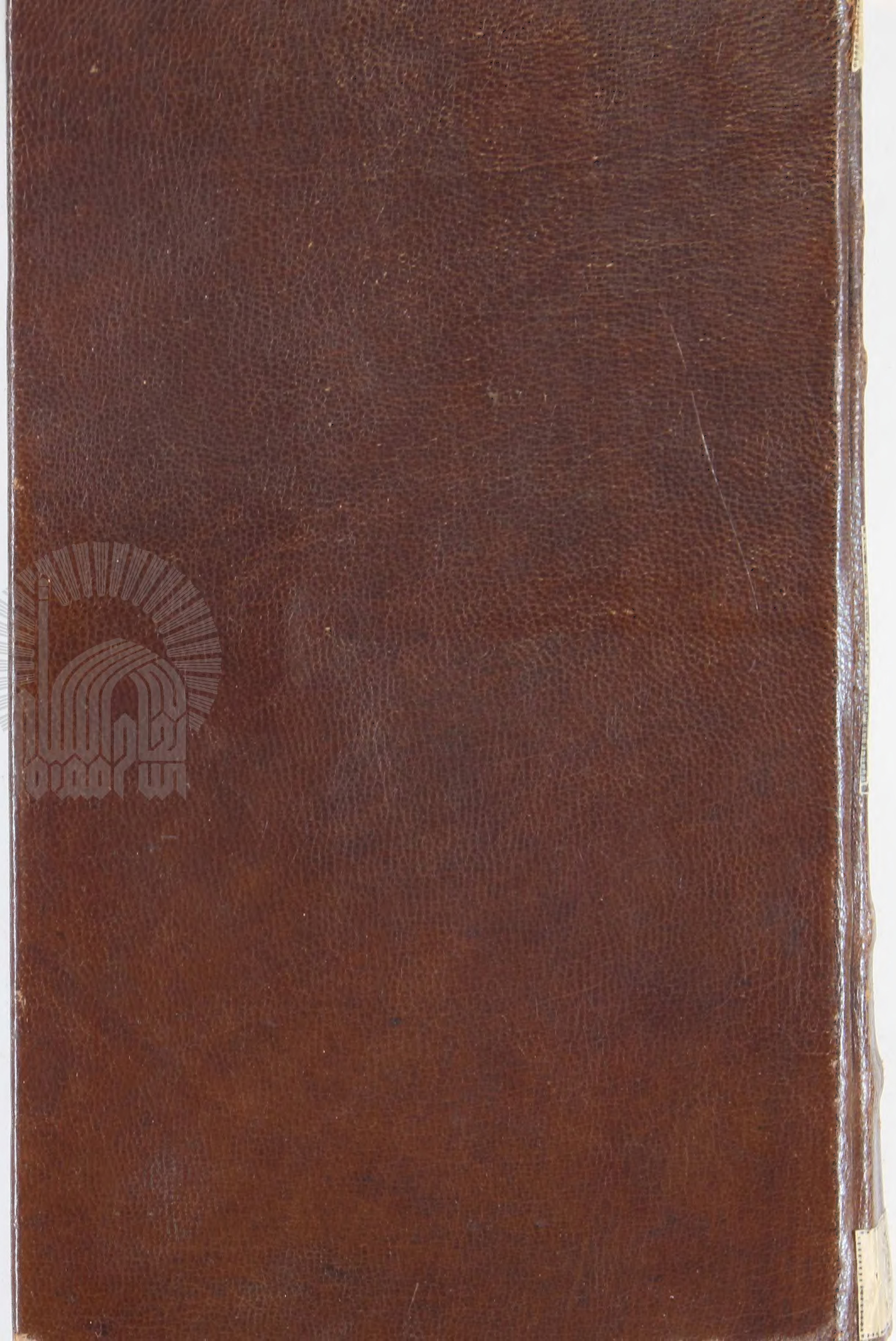
بازبینی شد
۱۳۵۳